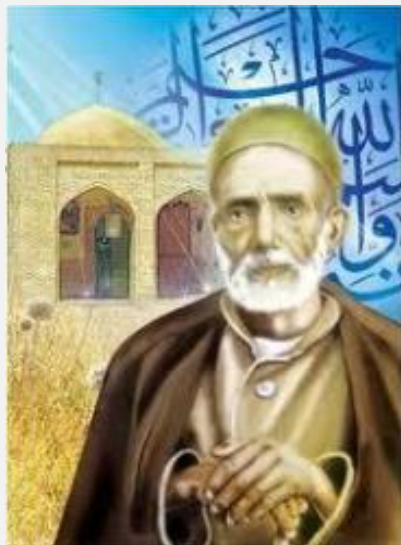




لقمه حلال، قرآن را وارد سینه کربلایی کاظم کرد/ بیان شرح حال در جلسات قرآن

نویسنده شرح حال زندگی «کربلایی کاظم ساروقی» با بیان اینکه توجه ویژه به لقمه حلال، وی را به این درجه رساند گفت: جا دارد مربیان حفظ قرآن، شرح حالی از این شخصیت برجسته برای قرآن‌آموزان ارائه دهند.

نویسنده شرح حال زندگی «کربلایی کاظم ساروقی» با بیان اینکه توجه ویژه به لقمه حلال، وی را به این درجه رساند گفت: جا دارد مربیان حفظ قرآن، شرح حالی از این شخصیت برجسته برای قرآن‌آموزان ارائه دهند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نام کربلایی کاظم برای بسیاری از مردم یا شناخته شده نیست و یا اگر هم افرادی نامی از وی شنیده باشند تنها در این حد است که وی فرد بیسوادی بوده است که قرآن را به صورت کامل در سینه داشته است، اما کیفیت و چگونگی این امر حتی با وجود برگزاری همایش‌های نسبتاً زیادی در مورد ایشان کمتر بازگو شده است. برگزاری همایش‌های نه چندان بزرگ و نوشتن کتاب در مورد این حافظ کل قرآن هنوز هم که هنوز است نتوانسته است این شخصیت بزرگ را به عموم مردم معرفی کند، تا همچنان نهایت شناخت مردم از کربلایی کاظم تنها در حد چند کلمه و اینکه بیسوادی بود که حافظ قرآن شد، باقی بماند.

آخرین همایشی که برای معرفی این شخصیت قرآنی در کشور برگزار شد به واسطه تابستان امسال برمی‌گردد، همایشی که در دانشگاه ارومیه برگزار شد و در آن حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفتح دعوتی، یکی از چندین نویسنده‌ای که سرگذشت کربلایی کاظم را موضوع کتاب‌های خود قرار داده است، به بیان گوشه‌های پنهان شخصیت وی پرداخت. کربلایی کاظم در روستای دورافتاده‌ای به نام ساروق، از توابع فراهان اراک، که اکثر ساکنانش همانند کربلایی کاظم از سواد خواندن و نوشتن محروم بوده‌اند در خانواده‌ای فقیر چشم به جهان گشود و پس از گذراندن ایام کودکی به کار کشاورزی پرداخت. داستان حافظ قرآن شدن وی از همین جا شروع می‌شود.

به همین مناسبت با حجت‌الاسلام دعوتی، در مورد دلایلش برای نوشتن کتابی در مورد کربلایی کاظم و اینکه چگونه می‌شود شخصیتی همچون کربلایی کاظم بدون داشتن توانایی در خواندن و نوشتن حافظ کل قرآن شود، پرداخته‌ایم که در ادامه می‌آید.

دلیل اینکه شما سراغ کربلایی کاظم رفتید و شرح حال وی را نوشتید چه بوده است؟ در روزنامه‌ها خواندم یک فردی حافظ کل قرآن شده خیلی اشتیاق داشتم که بدانم این شخصیت کیست؟ و چگونه حافظ قرآن شده؟ بعد نزد یکی از اساتید در حوزه علمیه قم رفتم که گفت، حافظ قرآنی که دنبالش بودی الان پایین نشسته است، رفتم وی را ملاقات کردم و سوره مبارکه مریم را برای من خواند. یادم هست که از وی پرسیدم کلمه «عزیزاً حکیم» چند بار در قرآن تکرار شده است؟ که الان در خاطرم نیست چند را گفت ولی پاسخ صحیح را داد.

لطفاً بفرمائید که اصلاً چطور به فکر نوشتن کتابی با این موضوع پرداختید؟ قبل از هر چیز باید مقداری در مورد این شخصیت برجسته بگویم. کربلایی کاظم، یک فرد ساکن روستا و کاملاً بی‌سواد بود و او به این بی‌سوادی در تمام روستای خود معروف بود. وی با وجود اینکه فردی درس نخوانده بود منتها شخصیتی پارسا، مقدس و پرهیزکار داشت. وی بسیار ناراحت بود از اینکه نماز و دعا‌های خودش را نمی‌توانست بخواند و این دغدغه همیشه همراهش بود. با توجه به شناختی که از این شخصیت داشتم و تعاریفی که در موردش شنیده بودم به این نتیجه رسیدم که ملاحظات من می‌تواند عنوان کتابی با همین موضوع شود.

به نظر شما شرایطی که باعث ظهور شخصیتی به نام کربلایی کاظم بود، چیست؟ یکی از مسائلی که کربلایی کاظم به آن اهمیت بسیار زیاد می‌داده است، خمس و زکات و مسائلی از این قبیل بوده است. کربلایی کاظم در روزگار و شرایطی زندگی کرده است که همه نسبت به درآمدهای زندگی حساس بوده و دغدغه حلال بودن آن را داشته‌اند. وی یک روز به مسجد می‌رود و در آنجا گفته می‌شود اگر ارباب کسی پول خمس و زکات مال خودش را نداده باشد، کار کردن نزد آن درست نیست و آن پول حرام است. پس از شنیدن این حرف، کربلایی کاظم با صاحب کار و یا همان ارباب خود به دلیل اینکه زکات و خمس مال خود را نمی‌دهد درگیر می‌شود و ناچار می‌شود تا آن دیار را ترک کند.

این ترک کردن باعث می‌شود تا وی به سمت جاده اراک به قم که آن زمان در حال ساخته شدن بود، برود و آنجا مشغول کار شود. یک یا دو سال آنجا می‌ماند و در این مدت هر چقدر که به او پیغام می‌دهند که به دیار خود بازگردد قبول نمی‌کند تا اینکه به او اطلاع می‌دهند که ارباب توبه کرده است و همه خمس و زکات خود را پرداخت کرده است. سرانجام کربلایی کاظم به دیار خود بازمی‌گردد و به کار کشاورزی مشغول می‌شود. بنابر این تا اینجا می‌توان تنقید در پرداخت اصولی همچون زکات و خمس و نیز دغدغه داشتن در مورد صحت به جا آوردن نماز از جمله مهم ترین شرایطی است که کربلایی کاظم قبل از حافظ قرآن شدن دارای آن بوده است.

شاید بارها و بارها نحوه حافظ قرآن شدن کربلایی کاظم بیان شده باشد، اما شنیدن این داستان از کسی که تحقیقات زیادی در مورد این شخصیت انجام داده است خالی از لطف نخواهد بود؟

در یک غروبی در ماه مبارک رمضان، ظاهراً یک فقیری نزد کربلایی کاظم می‌آید تا به رسم هر سال مقداری از محصول را دریافت کند، اما در آن سال به دلیل اینکه محصول خوب نبوده است و بادی هم نیامده است تا محصول از هم جدا شود، آن فرد فقیر دست خالی می‌رود. بعد از این قضیه و به قصد دعا برای وزش باد و ... وسایل خودش را می‌بندد که برود به سمت امامزاده‌ای به نام امامزاده 72 تن، پس از رسیدن به امامزاده و مقداری استراحت، دو نفر به وی می‌رسند که آقای محمد کاظم برویم با هم زیارت بکنیم ایشان می‌گوید من زیارت کرده‌ام و به خواب می‌روم، آن افراد دوبار وی را بیدار می‌کنند که بیا تا برویم زیارت، کربلایی کاظم این بار قبول می‌کند، وارد امامزاده می‌شود می‌بیند تمام امامزاده تاریک است.

وی می‌گوید: «رفتم آنجا هیچ چراغی نبود تنها شمع‌ی آنجا بود و یک در کوچک و همه جا تاریک تاریک بود». کربلایی کاظم یک آن می‌بیند همه جا روشن است، در و دیوار و تزئینات امامزاده که چیزهایی روی آن نوشته شده است. همراهانش می‌گویند محمدکاظم چرا نمی‌خوانی؟ جواب می‌دهد که من سواد ندارم و اصلاً از نوشته‌ها سر در نمی‌آورم، در همین حال یکی از آن افراد دستی به سینه محمدکاظم می‌کشد و یک آن به خود می‌آید می‌بیند که شروع کرده است به خواندن نوشته‌ها که همه آیات قرآن بوده است.

آنجا هفت آیه بوده است از آیه «رَبِّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ...» تا پایان آیه هفتم را قرائت می‌کند. قرائت را که تمام می‌کند می‌بیند کسی همراهش نیست و امامزاده تاریک است خیلی می‌ترسد و بیهوش به زمین می‌افتد. آنجا جای رفت و آمد کسی نبوده بنابر این دو، سه روز آنجا می‌ماند تا بعداً به هوش می‌آید وقتی به هوش می‌آید نصف شب بوده و برمی‌گردد برود منزل در راه می‌بیند، آن لحظه چیزهای دارد می‌خواند که باعث تعجب خودش هم می‌شود.

از او می‌پرسند کربلایی اینها چیست که می‌خوانی؟ می‌گوید قرآن است، کربلایی را نزد ملای مسجد می‌برند تا صحت حرف‌هایش را اثبات کند. در آنجا متوجه می‌شوند که این کلماتی که کربلایی کاظم می‌خواند آیات قرآن کریم است. بعد از این قضیه همه به قصد تبرک به ایشان هجوم می‌برند تا لباس‌هایش را به عنوان تبرک بردارند. این امر و اینکه همه او را به عنوان یک فرد مقدس معرفی می‌کنند کم کم باعث اذیت شدن کربلایی می‌شود تا اینکه به قصد اینکه ناشناس بماند به یکی از روستاهای اطراف ملایر مهاجرت می‌کند.

آنجا بدون اینکه به کسی بگوید مشغول زندگی می‌شود و در گمنامی به زندگی خود ادامه می‌دهد تا اینکه فردی به نام «خالصی‌زاده» به همراه شخص دیگری با نام «اسماعیل علوی» که از حافظان قرآن بوده‌اند برای کار به مزرعه کربلایی کاظم می‌روند و در حین کار، محفوظات را از هم می‌پرسیدند، تا اینکه در یکی از روزها کربلایی کاظم ایرادی از هر دو آنها می‌گیرد که این دو حافظ قرآن آن را قبول ندارند و زمانی که به قرآن کریم مراجعه می‌کنند می‌بینند حق با کربلایی کاظم است و همانجا متوجه می‌شوند که کربلایی کاظم نیز حافظ قرآن است. بعد از این قضیه است که برای تبلیغ و ترویج قرآن وی را به شهرهای مختلف از جمله تویسرکان، ملایر، همدان و ... می‌برند. تا اینکه وی را به حوزه علمیه قم و نزد آیت‌الله العظمی بروجردی می‌برند که ایشان نیز حافظ قرآن بودن کربلایی کاظم را تأیید می‌کنند.

شما کتابی در مورد ایشان نوشته‌اید؟ کمی در مورد این کتاب بگوئید و این که چه شد به فکر نگارش کتاب افتادید؟

بعد از آشنایی با کربلایی کاظم و جریان حافظ قرآن شدن وی تحقیقات بسیار زیادی انجام دادم و به این نتیجه رسیدم که نتایج این تحقیقات حیف است که از بین برود و بهتر است در جایی محفوظ شود، بنابراین تصمیم گرفتم تا آن را به صورت یک کتاب گردآوری کنم. ابتدا رفتم و پسر کربلایی کاظم را پیدا کردم، به محل زندگی کربلایی کاظم رفتم و گفت‌وگوهایی با هم سن‌وسال‌های کربلایی و دوستان وی داشتم و عکس‌های بسیار زیادی از آنجا گرفتم. این فعالیت‌ها مربوط به قبل از انقلاب است که البته انجمن اسلامی مدارس قم چند سال قبل از انقلاب آن را به صورت یک کتاب مختصر به چاپ رساند.

در تحقیقات، مدارک و مستندات بسیار زیادی اعم از امضای علما، شرح حال، روزنامه‌های آن زمان و ... گردآوری شده بود که گم شد. بعد از آن سفری به کشور کنیا داشتم و بحث چاپ کتاب جدید تقریباً فراموش شده بود تا اینکه یک روز در قم مجدداً فرزند کربلایی کاظم را دیدم که وی خبر پیدا شدن همه آن مدارک را داد در نهایت توانستم کتابی در حدود 140 صفحه را آماده چاپ کنم. در حال حاضر این کتاب چهار بار تقریباً با تغییرات چاپ شده است یک بار هم کتاب را خدمت مقام معظم رهبری بردم، ایشان هم گفتند که کربلایی کاظم را در مشهد دیده‌اند و محفوظاتش را آزمودم. از حضرت آقا خواستم تا چیزی در این کتاب بنویسند که ایشان فرمودند «اینکه شما از قول من بنویسید موید است هر چیزی که شما بنویسید من خودم شهادت می‌دهم».

حافظ قرآن بودن کربلایی کاظم و نیز بی‌سواد بودن ایشان تا چه میزان مستند بوده است؟

کربلایی کاظم خیلی آزمایش شد و حافظ قرآن بودن ایشان کاملاً اثبات شده بود. ایشان توسط علمای برجسته‌ای همچون

آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و ... تأیید شده بودند. آیت الله بروجردی در مورد کربلایی کاظم فرموده بودند «هرکس می‌خواهد قرآن را از سینه پیغمبر(ص) بشنود قرآن کربلایی کاظم را گوش دهد».

شما با توجه به اینکه کنکاش‌های و تحقیقات زیادی در زندگی ایشان داشتید مهمترین وجه بارز زندگی ایشان چه چیزی بوده است؟

وجه بارز زندگی ایشان که حضرت آقا هم فرمودند که این را یادآوری کنید، پرهیز سخت از حرام و اهمیت دادن به حلال بوده است. کربلایی کاظم بسیار مراقب حلال و نجس و پاکی بود. وارد خانه‌های اعیان و اشراف که می‌شد نگاهی می‌انداخت به سفره اینها یک کمی رنگ و آب سفره را که می‌دید کنار می‌کشید. به اینکه همیشه سر وقت وجوهات خود را بپردازد، نماز اول وقت بخواند، نمازهای مستحبش ترک نشود، بسیار توجه داشت و به این آداب خیلی زیاد مقید بود.

شخصیت‌هایی همچون کربلایی کاظم تا چه میزان به عموم جامعه معرفی شده‌اند و اصولاً لزومی در مورد معرفی این قبیل افراد به عموم جامعه دیده می‌شود؟

نه تنها کم معرفی شده‌اند بلکه به نظر من اصلاً معرفی نشده‌اند. بسیاری از علما گفته بودند که اگر کربلایی کاظم در دست واتیکان بود بیشترین استفاده‌ها را از آن می‌بردند، بسیار جای افسوس دارد که در حال حاضر نه عکسی، نه سخنرانی و نه چیز دیگری از ایشان در دست نیست. علامه طباطبایی در مورد کربلایی کاظم فرمودند که وی دایرةالمعارف قرآن کریم است.

فرزندان ایشان در حال حاضر مشغول چه فعالیت‌هایی هستند؟

یکی از آنها فوت کرده است پسر بزرگش در سمیناری که اوایل شهریورماه در ارومیه برگزار شد حضور داشت و در نماز جمعه این شهر نیز سخنرانی کرد. به نظر من اگر می‌خواهیم کاری برای کربلایی کاظم انجام دهیم که همه مردم ایشان را بشناسند، حداقل کار این است که در کلاس‌های حفظ قرآن، افرادی که قرآن تعلیم می‌دهند چند صفحه در مورد شرح حال ایشان با عکس و تفسیرات آموزش دهند.

به عنوان مثال در اول هر جلسه بگویند که کربلایی کاظم چنین فردی بوده است و وجود وی نشان می‌دهد که اولاً اسلام حق است، دوم اینکه قرآن تحریف نشده است، سوم اینکه وحی چیزی است که یک‌دفعه نازل شده است و ...

به نظر من حضور و ظهور کربلایی کاظم چند درس برای همه دارد اول اینکه می‌گوید قرآن معجزه عصر حاضر است، شیعه بر حق است، اسلام بر حق است، وحی بر حق است، قرآن تحریف نشده است و ...

کربلایی کاظم هر جایی می‌رفت لقمه‌ای مشکل‌دار یا شبهه‌ناک می‌خورد یک مرتبه آشفته و ناراحت می‌شد و فریاد می‌زد که لوح قرآن از نظرم رفت و سعی می‌کرد این حرامها را کنار بزند تا آن وقت کم کم این لوح برمی‌گشت و قرآن را نورانی می‌دید. زمانی که چندین متن عربی را به کربلایی کاظم نشان می‌دادند به راحتی متن قرآن را از سایر متون تشخیص می‌داد.